



توسعه راهبردهای همبستگی ملی در ایران

علیرضا محمدی^۱، یوسف بیگ زاده^{۲*}، عباس سنگی نورپور^۲، حسین عمار^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: yousef.beighzadeh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین راهبردهای ارتقای همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش با رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) و هدف توسعه‌ای انجام شد. در بخش کیفی، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و ۱۷ نفر از خبرگان پلیس و اساتید دانشگاه در حوزه جامعه‌شناسی به صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شرکت داشتند. داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری گردآوری و با روش تحلیل مضمون در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر کدگذاری شد. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۷۳۰ نفر از کارکنان پلیس امنیت اخلاقی فراجا در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی بود که با فرمول کوکران ۲۵۲ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه حاصل از مضامین کیفی گردآوری و با مدل‌یابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار LISREL تحلیل گردید. روایی پرسشنامه از طریق روایی همگرا و واگرا و پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۹۰۱ تأیید شد. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد که سه مؤلفه اصلی ارتقاء عملکرد پلیس (کارایی، کارآمدی، آرامش روانی شهروندان، ویژگی‌های مدیران، نظارت‌پذیری، اخلاق‌مداری)، اعتمادسازی توسط پلیس (عدالت رفتاری، انگاره ذهنی مردم از پلیس، نوع دوستی و همدلی، اعتماد نهادی، رفتار شهروندی سازمانی پلیس)، و ارتباط متقابل پلیس با شهروندان (همکاری مبتنی بر اعتماد، آگاه‌سازی مردم) دارای بار عاملی بالاتر از ۰.۵ و روابط معنادار ($t > 1.96$) بودند. شاخص‌های برازش ($GFI = 0.93$ ، $RMSEA = 0.049$) نشانگر برازش مطلوب مدل هستند. نتایج پژوهش نشان داد ارتقاء همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی مستلزم ارتقاء عملکرد سازمانی پلیس، اعتمادسازی پایدار و توسعه ارتباط دوسویه مبتنی بر اعتماد با شهروندان است که این امر به افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش ناآرامی‌های اجتماعی و ارتقاء امنیت ملی منجر می‌شود.

کلیدواژه‌گان: همبستگی ملی، پلیس امنیت اخلاقی، ارتقاء عملکرد پلیس، ارتباط متقابل پلیس با شهروندان، اعتمادسازی نسبت به پلیس

تاریخ ارسال: ۱۰ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۳ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۵ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۱ اسفند ۱۴۰۳



How to cite: Mohammadi, A., Beigzadeh, Y., Sangi Noorpour, A., & Amari, H. (2024). Developing National Solidarity Strategies in Iran. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(4), 1-17.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Developing National Solidarity Strategies in Iran

Alireza Mohammadi¹, Yousef Beigzadeh^{2*}, Abbasgholi Sangi Noorpour², Hossein Amari²

1. PhD Student, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

2. Assistant Professor, Department of Public Administration, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran

*Corresponding Author's Email: yousef.beigzadeh@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify and formulate strategies for enhancing national solidarity within the Moral Security Police of the Islamic Republic of Iran. A mixed-methods design with a developmental orientation was adopted. In the qualitative phase, purposive sampling was used to select 17 experts from the police and academia specializing in sociology. Data were gathered through semi-structured interviews until theoretical saturation was reached and analyzed using thematic analysis at three levels: basic, organizing, and overarching themes. In the quantitative phase, the statistical population comprised 730 personnel of the Moral Security Police in West and East Azerbaijan provinces, of whom 252 were selected using the Cochran formula. Data were collected via a questionnaire developed from the qualitative themes and analyzed using structural equation modeling in LISREL. Convergent and discriminant validity were confirmed, and reliability was supported with Cronbach's alpha of 0.901. Second-order confirmatory factor analysis indicated that three overarching constructs—improving police performance (efficiency, effectiveness, citizens' psychological peace, managerial characteristics, monitoring, ethics), building trust by the police (behavioral justice, public image of the police, altruism and empathy, institutional trust, police organizational citizenship behavior), and mutual communication with citizens (trust-based cooperation and public awareness)—had factor loadings above 0.5 and significant paths ($t > 1.96$). Goodness-of-fit indices (RMSEA=0.049, GFI=0.93) confirmed the adequacy of the model. The study concludes that enhancing national solidarity in the Moral Security Police requires strengthening organizational performance, fostering sustainable trust-building, and promoting trust-based reciprocal engagement with citizens, which in turn reinforces social capital, reduces social unrest, and improves national security.

Keywords: *National solidarity, moral security police, improving police performance, mutual communication with citizens, trust-building in the police*

Submit Date: 31 October 2024

Revise Date: 22 January 2025

Accept Date: 03 February 2025

Publish Date: 11 March 2025

همبستگی ملی به عنوان یکی از مهم ترین ارکان پایداری اجتماعی و ثبات سیاسی، نقش اساسی در حفظ یکپارچگی سرزمینی و مشروعیت حاکمیت ایفا می کند. در دنیای امروز که پیچیدگی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی روزافزون است، ضرورت بازتعریف و تقویت این مفهوم بیش از پیش احساس می شود. از دیدگاه جامعه شناختی، همبستگی ملی نه تنها بنیانی برای انسجام اجتماعی است، بلکه زمینه ساز توسعه اقتصادی و ارتقای سرمایه اجتماعی نیز محسوب می شود (Mishra & Rath, 2020). در همین راستا، در ایران نیز بحث همبستگی ملی به یکی از دغدغه های اصلی برنامه ریزان و سیاست گذاران تبدیل شده است، به ویژه با توجه به تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی که می تواند هم فرصتی برای شکوفایی اجتماعی و هم چالشی برای انسجام ملی باشد (Hosseini Beheshti, 2019).

بر اساس مطالعات متعدد، وجود شکاف های قومی و منطقه ای می تواند همبستگی ملی را با چالش مواجه کند. پژوهش ها نشان داده اند که بحران های قومی در جوامع شهری زمانی کاهش می یابد که دولت ها بتوانند سیاست های قومیتی خود را به شکلی هماهنگ و عادلانه اعمال کنند (Pour Rajabi & Majdi, 2021). در این میان، مشارکت نهادهای رسمی از جمله پلیس در تقویت همبستگی ملی نقشی کلیدی دارد، زیرا پلیس به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای کنترل اجتماعی رسمی، هم نماد اقتدار حاکمیت و هم پل ارتباطی میان دولت و مردم است (Azari & Hosseinzadeh, 2016). بدون همکاری مردم، فعالیت های پلیس در تأمین امنیت عمومی و نظم اجتماعی با دشواری جدی روبه رو خواهد شد و این همکاری جز در بستر اعتماد و حس تعلق ملی شکل نمی گیرد (Hashemi et al., 2021).

همبستگی ملی از طریق مجموعه ای از پیوندهای عینی و ذهنی شکل می گیرد. از منظر نظری، این پیوندها شامل نظام های اعتقادی، فرهنگ ها و هنجارهای مشترک از یک سو و ساختارهای نهادی و سیاسی از سوی دیگر هستند (Armand & Pisureh, 2016). به عنوان نمونه، تحقیقات نشان داده اند که وجود خاطره جمعی و حافظه تاریخی مشترک می تواند به طور چشمگیری در شکل گیری هویت ملی و تقویت احساس همبستگی مؤثر باشد (Kurtaran, 2024). همچنین نقش ادبیات و متون فرهنگی در بازنمایی ارزش های مشترک و شکل دهی به هویت ملی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (Seyyed & Zahra, 2024). از سوی دیگر، در عصر جهانی شدن و افزایش تعاملات فراملی، خانواده ها و شبکه های اجتماعی فرامرزی نیز می توانند در بازتولید یا تضعیف هویت و همبستگی ملی نقش آفرینی کنند (Bulut, 2024).

مطالعات میدانی در ایران نشان داده است که احساس بی اعتمادی به نهادهای رسمی از جمله پلیس می تواند سرمایه اجتماعی و در نتیجه همبستگی ملی را کاهش دهد (Jazini et al., 2018). این در حالی است که پژوهش های بین المللی تأکید دارند که تعامل فرهنگ سازمانی و جوّ سازمانی پلیس نقش تعیین کننده ای در شکل گیری نگرش مأموران نسبت به پلیس جامعه محور دارد و می تواند رابطه آن ها با مردم را بهبود بخشد (Fenn & Bullock, 2021). از این رو، تقویت اعتماد نهادی به پلیس و ترویج فرهنگ پاسخ گویی و شفافیت، می تواند یکی از مسیرهای اساسی برای ارتقای همبستگی ملی باشد (Hashemi et al., 2021).

پدیده های اجتماعی پیچیده امروز ایجاب می کند که پلیس صرفاً به اجرای قانون بسنده نکند بلکه با اتخاذ رویکرد جامعه محور، در فرآیندهای پیشگیری و حل مسائل اجتماعی نیز مشارکت فعال داشته باشد (Arisukwu et al., 2020). در واقع، یکی از مهم ترین متغیرهای پیش بینی کننده همبستگی ملی، مشارکت مردم در فرآیندهای امنیتی و اجتماعی است که این امر نیازمند تعامل دوسویه، همدلی و مشارکت داوطلبانه است (Agustín & Jørgensen, 2020). تحقیقات نشان داده اند که گروه های اجتماعی زمانی احساس همبستگی می کنند که تجربه ای مشترک از رنج یا موفقیت داشته باشند و این امر می تواند به شکل گیری پیوندهای قوی تر میان آن ها و تقویت انسجام اجتماعی منجر شود (Ball & Branscombe, 2019).

از سوی دیگر، در شرایط بحران های اجتماعی، همبستگی می تواند نقشی نجات بخش ایفا کند. برای مثال، مطالعات انجام شده در دوران همه گیری کووید-۱۹ نشان داد که سطوح بالاتر همبستگی اجتماعی با تبعیت بیشتر از دستورالعمل های بهداشتی و کاهش تعارضات اجتماعی همراه بوده است (Oram, 2020). این یافته ها اهمیت همبستگی را به عنوان یک نیروی اخلاقی و اجتماعی در مواجهه با تهدیدهای گسترده برجسته

می‌کند. در همین راستا، برخی مطالعات بر این باورند که همبستگی اجتماعی یک نیروی دگرگون‌ساز است که می‌تواند از پایین‌ترین سطوح جامعه آغاز شود و ساختارهای قدرت را به چالش بکشد (Mishra & Rath, 2020).

افزون بر این، مطالعات جدیدتر نشان می‌دهند که همبستگی می‌تواند در بستر محیط‌های کاری و سازمانی نیز شکل بگیرد و توسعه یابد. به باور برخی پژوهشگران، همبستگی در محیط‌های کاری نتیجه تلفیق عناصر اخلاقی، سیاسی و عملکردی در یک زمینه سازمانی مشترک است که موجب تقویت حس تعلق و هویت جمعی در کارکنان می‌شود (Morgan & Pulignano, 2019). این نکته در مورد نهادهای نظم و امنیت همچون پلیس اهمیت دوچندان دارد، زیرا پلیس نه تنها یک نهاد اجرایی بلکه نماینده ارزش‌های حاکمیت نیز هست (Azari & Hosseinzadeh, 2016). در واقع، موفقیت پلیس در ایفای نقش اجتماعی خود به میزان بالایی به حمایت عمومی و همکاری داوطلبانه مردم وابسته است (Ng'eno, 2023).

در این میان، شبکه‌های اجتماعی نیز به عنوان یکی از عوامل مهم شکل‌دهنده نگرش‌های عمومی، می‌توانند نقش بسزایی در تقویت یا تضعیف همبستگی ملی ایفا کنند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با افزایش سطح آگاهی عمومی و مشارکت شهروندان رابطه مستقیم دارد و می‌تواند به ارتقای حس تعلق و اعتماد اجتماعی منجر شود (Sajedi et al., 2020). همچنین، بررسی‌های انجام‌شده در جوامع چندفرهنگی نشان می‌دهد که مواجهه مثبت و سازنده با تنوع فرهنگی می‌تواند احساس تعلق به هویت ملی را در میان نسل‌های جدید تقویت کند (Juang et al., 2024; Suryadi, 2024).

در کنار این عوامل، ساختار و کیفیت فضاهای عمومی شهری نیز می‌تواند بر سطح انسجام اجتماعی و همبستگی ملی اثرگذار باشد. مرور نظام‌مند پژوهش‌ها نشان داده است که فضاهای شهری به عنوان عرصه‌ای برای تعاملات اجتماعی می‌توانند بستر مناسبی برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی باشند (Qi et al., 2024). این مسئله در جوامعی که با شکاف‌های قومی و طبقاتی روبه‌رو هستند اهمیت دوچندان دارد، زیرا فراهم کردن فضاهای مشترک می‌تواند به کاهش مرزبندی‌های اجتماعی و افزایش روابط بین‌گروهی کمک کند (Jahan Abadian et al., 2025).

همچنین، تجربه کشورهایی با دولت رفاه در حال توسعه نشان می‌دهد که همبستگی میان نسلی و حمایت اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در تثبیت انسجام ملی ایفا کند (Gurín & Brandt, 2024). در مقابل، مطالعاتی نیز وجود دارد که هشدار می‌دهند تقویت بیش از حد حمایت‌های دولت رفاه ممکن است انگیزه‌های فردی برای مشارکت داوطلبانه و رفتارهای همبستگی‌محور را کاهش دهد (Kurowska et al., 2019). از این رو، طراحی سیاست‌های تقویت همبستگی باید به گونه‌ای باشد که تعادل میان حمایت نهادی و مسئولیت فردی حفظ شود. در نهایت، باید توجه داشت که همبستگی ملی پدیده‌ای ایستا نیست بلکه در بستر زمان و تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بازتولید می‌شود. در این فرایند، حافظه تاریخی و هویت ملی نقش زیربنایی دارند و می‌توانند از طریق آموزش و بازنمایی در نظام‌های رسانه‌ای و آموزشی تقویت شوند (Kurtaran, 2024; Seyyed & Zahra, 2024). به طور کلی، تقویت همبستگی ملی مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات چندبعدی در سطوح نهادی، فرهنگی و اجتماعی است که مشارکت فعال نهادهایی مانند پلیس، رسانه‌ها، نظام آموزشی و جامعه مدنی را می‌طلبد. پژوهش حاضر نیز با هدف شناسایی و طراحی راهبردهای ارتقای همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی انجام شد.

روش‌شناسی

بر اساس مبانی فلسفی پژوهش، جهت‌گیری‌های پژوهش توسعه‌ای و ترکیبی می‌باشد، هدف از این پژوهش شناسایی راهبردهای همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی می‌باشد، بر این اساس جهت‌گیری پژوهش توسعه‌ای است. رویکرد پژوهش حاضر در بخش کیفی استقرایی است که بر اساس آن پژوهشگران ابتدا داده‌ها را گردآوری می‌کنند، در این رویکرد فکر با استفاده از معلومات جزئی و برقراری ارتباط بین آن‌ها حکم

کلی را استنتاج می‌نماید. در این رویکرد، مشاهده‌ها بر رویدادهای مشخصی در یک طبقه صورت می‌گیرد و سپس بر اساس مشاهده حوادث یا رویدادها، استنباط در مورد تمام طبقه‌ها انجام می‌شود. همچنین در بخش کمی تحقیق از رویکرد قیاسی استفاده می‌شود.

به‌منظور پاسخ به سؤال تحقیق، جامعه آماری پژوهش از میان از مدیران ارشد پلیس امنیت اخلاقی و خبرگان دانشگاه که نسبت به موضوع همبستگی ملی آگاهی مناسبی داشتند استفاده شدند. بر همین اساس در بخش کیفی، جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان پلیس که آشنایی کاملی با همبستگی ملی داشتند استفاده شد.

جدول ۱: مصاحبه‌شوندگان به تفکیک حرفه، میزان تحصیلات و تعداد

ردیف	تخصص	مدرک تحصیلی	زمینه فعالیت		تعداد
			اجرائی	دانشگاهی	
۱	کارشناس مبارزه با مفاسد اجتماعی	دکتری و کارشناسی ارشد	*	*	۲
۱	کارشناس اطلاعات و عملیات	کارشناسی ارشد	*		۲
۲	رئیس پلیس اطلاعات پلیس	دکتری	*	*	۳
۳	سرتیم گشت ارشاد	کارشناسی ارشد	*		۲
۴	کاردان اطلاعات	دکتری	*	*	۲
۵	متخصص امنیت اخلاقی	کارشناسی ارشد	*		۲
۵	استاد دانشگاه	دکتری		*	۴
جمع کل					۱۷

به‌منظور جمع‌آوری داده‌های موردنیاز نخست از مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شد، به‌منظور تدوین مبانی، تعاریف و مفاهیم نظری، از موتورهای جست‌وجوی اینترنت، بانک‌های اطلاعاتی مجازی و حقیقی، کتابخانه‌های مجازی و حقیقی دانشگاه‌های کشور، مجلات علمی-پژوهشی حقیقی و مجازی استفاده شد. سپس در بخش کیفی پژوهش، از مصاحبه‌های فردی رودرروی عمیق بهره جسته شد.

برای روایی بخش کیفی از چهار معیار جداگانه، اما به هم مرتبط باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأیید پذیری و انتقال‌پذیری استفاده شده است و پایایی باز آزمون (۰/۹۵) بدست آمده نشان از پایایی داده‌های کیفی است.

در بخش کمی تحقیق با توجه به خروجی‌های بخش مصاحبه، پرسشنامه تحقیق از طریق کدهای نهایی استخراج‌شده است که در قالب پرسشنامه بخش کمی قرار گرفته است و پایایی آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: پایایی پرسشنامه پژوهش

بعد	تعداد	کرونباخ محاسبه‌شده
پایایی پرسشنامه	۶۳	۰/۹۰۱
ارتقاء عملکرد پلیس	۲۶	۰/۸۱۱
اعتمادسازی توسط پلیس	۲۸	۰/۸۵۴
ارتباط متقابل پلیس با شهروندان	۹	۰/۷۹۴

جامعه آماری تحقیق حاضر کارکنان پلیس امنیت اخلاقی فراجا در استان‌های، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی می‌باشد که تعداد آن‌ها ۷۳۰ نفر است. برای محاسبه حجم نمونه آماری از رابطه کوکران استفاده شده است که حجم نمونه آماری ۲۵۲ نفر به‌دست‌آمده است. برای تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل عاملی تأییدی از نرم‌افزار LISREL استفاده شده است.

یافته‌ها

در این بخش ابتدا نتایج کیفی و سپس کمی پژوهش گزارش می‌گردد.

جدول ۳: مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها (همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی)

متن مصاحبه‌ها	مضامین پایه
علم محوری و هوشمند سازی پلیس محور آرامش عمومی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است که می‌تواند دیدگاه جامعه را نسبت به پلیس بهبود دهد.	- علم محوری - هوشمندی پلیس - کنترل فضای مجازی
رسیدگی سریع به تخلفات، عادلانه بودن، اعمال قوانین همچنین خویشن داری پلیس در موقعیت‌های حساس منجر به بهبود تصویر آن‌ها می‌شود	- رسیدگی به تخلفات، - عادلانه بودن رفتار - خویشن داری پلیس
پلیس می‌تواند در عملیات‌های بشردوستانه در مواردی چون سیل، زلزله و بحران‌های اجتماعی نقش فعالی ایفا کند که با تأمین جان و امنیت مردم موجب بهبود دیدگاه مردم نسبت به حاکمیت شده و مردم را مورد حمایت در شرایط غیرمتعارف قرار می‌دهد.	- حضور در اقدامات بشردوستانه - فعال بودن در بحران‌های اجتماعی (مانند سل، زلزله).
یکی از وظایف ذاتی پلیس، مقابله با ناآرامی‌ها است، اما در شکل جدید آن به عنوان میانجی برای ایجاد صلح در جامعه ایفای نقش نماید.	- ایفای نقش میانجی در بحران‌های اجتماعی

جدول ۴: مدل مفهومی تحقیق (یافته‌های پژوهش)

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
ارتقاء عملکرد پلیس	کارایی پلیس	- مسئولیت پذیری پلیس - پاسخگو بودن پلیس - وجدان کاری پلیس - الزام عملی مأموران به اجرای قوانین
	کارآمدی پلیس	- هدایت‌گری پلیس - تقویت روحیه تعاون و همکاری - ارتقاء سطح تحصیلات پلیس - سلامت نفس پلیس - تعهد پلیس - شفافیت در رفتار و عملکرد پلیس
	آرامش روانی شهروندان	- مقابله با ناآرامی‌های اجتماعی - ایفای نقش میانجی در بحران‌های اجتماعی - رسیدگی به تخلفات - ایجاد فضا و آرامش در جامعه - توسعه خدمات روانشناسی - مشاوره‌های مددکاری اجتماعی
	ویژگی‌های مدیران	- اعتماد به ویژگی مدیران. - تخصص مدیران واحد - تجربه و تدبیر مدیران واحد - تفکر استراتژیک در پلیس
	نظارت‌پذیری پلیس	- نظارت بر عملکرد پلیس - ارزیابی مستمر عملکرد پلیس
	اخلاق‌مداری پلیس	- پرهیز از پیش‌داوری نسبت به مراجعه‌کنندگان - رعایت اصول اسلامی - در نظر گرفت رضایت الهی - پذیرش حقوق مردم توسط پلیس
اعتمادسازی توسط پلیس	عدالت رفتاری	- عادلانه بودن رفتار - عدالت رویه‌ای

- مساوات در قبال قانون - منصفانه بودن اجرای قوانین - راست‌گویی در رفتار پلیس	
- تصویر مثبت از پلیس توسط مردم - نگرش مثبت مردم به پلیس - ارتقاء منزلت اجتماعی پلیس - صداقت پلیس - رضایت از عملکردها	انگاره پلیس در ذهن مردم
- خیرخواه بودن پلیس - حس خیرخواهی پلیس توسط شهروندان - اظهار همدردی و شفقت با مردم - رفتار محترمانه با مردم - صمیمیت در رابط پلیس با شهروندان - حفظ حرمت و شخصیت مردم - تواضع و فروتنی در رفتار پلیس - خدمت خالصانه پلیس به مردم	نوع دوستی و همدلی
- مشروعیت پلیس - رضایت از عملکرد پلیس - جامعه‌محوری توسط پلیس - رضایت اجتماعی از واحدها - در دسترس بودن پلیس - سازگاری بهینه با جامعه	اعتماد نهادی
- فداکاری پلیس در بحران‌ها - تشکیل گروه‌های همیاری - فعال بودن در بحران‌های طبیعی (مانند سیل، زلزله). - حضور در اقدامات بشردوستانه	رفتار شهروندی سازمانی پلیس
- همراهی و همفکری مردم با پلیس - صمیمیت و همدلی در روابط پلیس با شهروندان - کنش متقابل پلیس با جامعه - مشارکت با مردم در اتخاذ تصمیمات - مشارکت فعال مردم در تأمین امنیت	ارتباط متقابل پلیس با همکاری مبتنی بر اعتماد پلیس با شهروندان شهروندان
- آگاهی از توان و ظرفیت‌های پلیس - آموزش مردم از حقوق و قوانین و مقررات - اقناع‌سازی شهروندان - آموزش عمومی	آگاه‌سازی مردم

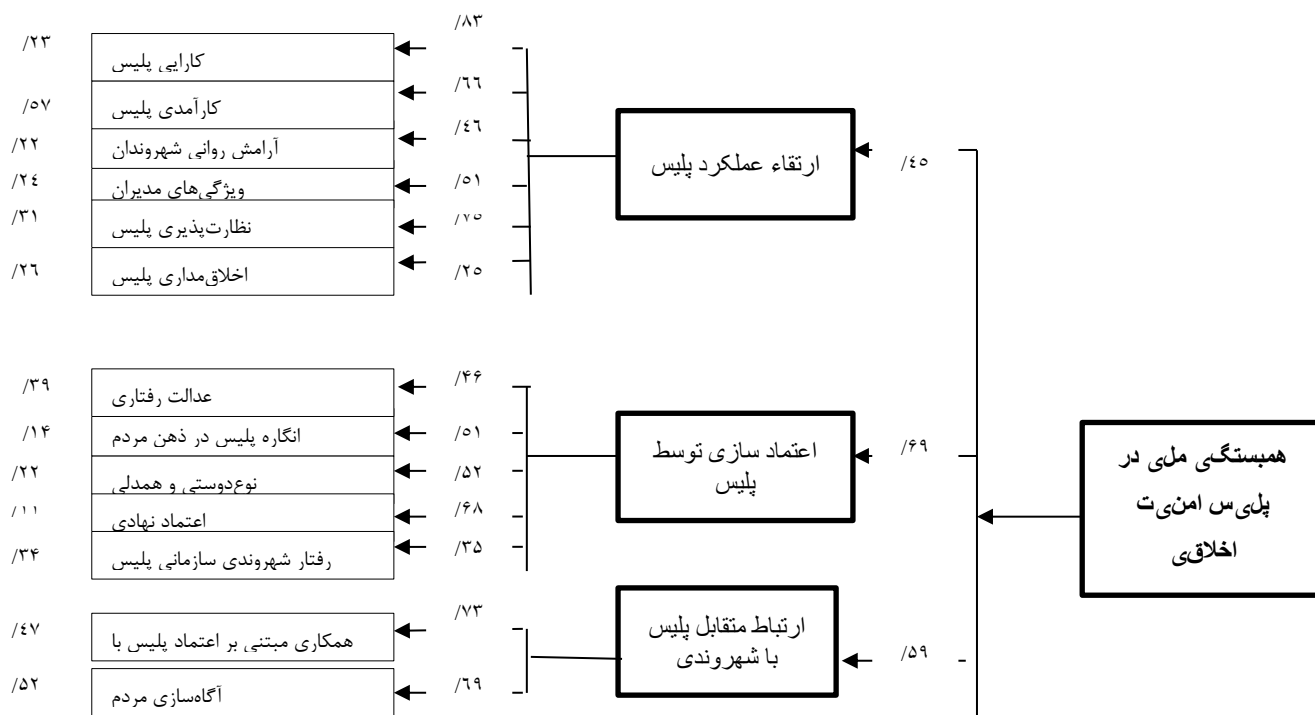
بدین ترتیب پس از شناسایی مضامین نهایی از طریق مصاحبه با خبرگان و احصاء مضامین به روش تحلیل مضمون و اعتبار یابی طی رویکرد دلفی دو دوری، ابعاد و مؤلفه‌های نهایی مرحله کیفی ارائه گردید. این عناصر مبنایی است که طرح کلی پژوهش بر آن استوار است. مضامین فراگیر حاصل یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از: ارتقاء عملکرد پلیس، اعتمادسازی توسط پلیس، ارتباط متقابل پلیس با شهروندان.

جدول ۵: نتایج آزمون نرمال بودن مربوط به متغیرهای تحقیق

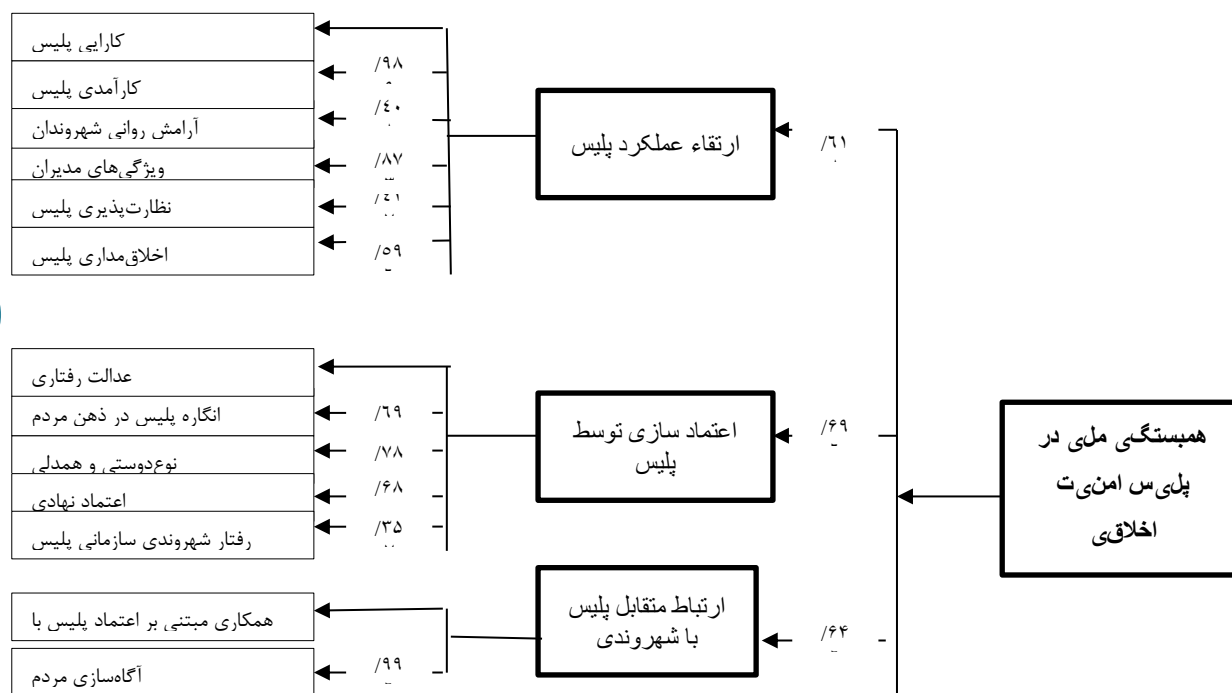
متغیرها	تعداد داده‌ها	آماره کلموگروف اسمیرنف	P- مقدار	نتیجه (نرمال/غیر نرمال بودن توزیع)
کارایی پلیس	۲۵۲	۰/۱۲۰	۰/۰۶۱	نرمال
کارآمدی پلیس	۲۵۲	۰/۰۶۴	۰/۱۳۷	نرمال
آرامش روانی شهروندان	۲۵۲	۰/۰۵۵	۰/۱۶۵	نرمال

ویژگی‌های مدیران	۲۵۲	۰/۱۲۲	۰/۰۵۹	نرمال
نظارت‌پذیری پلیس	۲۵۲	۰/۱۳۲	۰/۰۵۶	نرمال
اخلاق‌مداری پلیس	۲۵۲	۰/۰۴۴	۰/۱۷۹	نرمال
عدالت رفتاری	۲۵۲	۰/۰۶۶	۰/۰۸۴	نرمال
انگاره پلیس در ذهن مردم	۲۵۲	۰/۱۲۵	۰/۰۶۰	نرمال
نوع‌دوستی و همدلی	۲۵۲	۰/۱۳۶	۰/۰۵۵	نرمال
اعتماد نهادی	۲۵۲	۰/۱۲۴	۰/۰۵۹	نرمال
رفتار شهروندی سازمانی پلیس	۲۵۲	۰/۰۵۲	۰/۱۱۸	نرمال
اعتماد پلیس با شهروندان	۲۵۲	۰/۱۴۴	۰/۰۵۴	نرمال
آگاه‌سازی مردم	۲۵۲	۰/۱۲۲	۰/۰۵۹	نرمال

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۵، در هر یک از متغیرها سطح معنی‌داری (p) به‌دست‌آمده بزرگ‌تر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ می‌باشد فرض نرمال بودن داده‌ها را پذیرفته و می‌توان برای بررسی فرضیه‌های این متغیرها از روش‌های پارامتریک استفاده کرد که از آزمون معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده می‌شود.



شکل ۱: تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم متغیر همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی بر اساس بار عاملی



شکل ۲: تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم طراحی الگوی همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی بر اساس ضریب معناداری

نمودار تحلیل عاملی شماره ۲ نشان می‌دهد کلیه مسیرها با احتمال ۹۵ درصد معنادار می‌باشند.

جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t -value استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده‌شده با آزمون t -value از ۱/۹۶ کوچک‌تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست و در نرم‌افزار لیزرل با رنگ قرمز نمایش داده خواهد شد. از آنجاکه برای معنی‌دار بودن یک رابطه، قدر مطلق مقدار ضریب معناداری باید بالاتر از ۱/۹۶ باشد، پس می‌توان نتیجه گرفت که روابط بین متغیرها معنی‌دار است.

جدول ۶. شاخص‌های نیکویی برازش مدل همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی

مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب	شاخص نیکویی برازش
۲۶۶۵/۴۷	۹۹۰	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۹۳

مهم‌ترین آماره برازش آماره مجذور خی است. این آماره میزان تفاوت ماتریس مشاهده‌شده و برآورد شده را اندازه می‌گیرد. عدم معناداری این آماره برازش مدل را با داده‌ها نشان می‌دهد. ولی ایراد این آماره حساس بودن نسبت به حجم نمونه است، یعنی در نمونه‌های با حجم بالا امکان عدم معناداری آن کاهش می‌یابد. مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب و مقادیر بالاتر از ۰/۹ برای شاخص نیکویی برازش و شاخص تعدیل‌شده نیکویی برازش به‌عنوان ملاک‌های انطباق مدل با داده‌های مشاهده‌شده در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه مدل همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی با سه مضمون فراگیر و ۱۳ مضمون سازمان دهنده مورد تأیید می‌باشد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که ارتقای همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی مستلزم توجه هم‌زمان به سه مؤلفه کلیدی است: ارتقای عملکرد پلیس، اعتمادسازی توسط پلیس و تقویت ارتباط متقابل پلیس با شهروندان. این سه مؤلفه از طریق تحلیل مضمون کیفی و آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری شناسایی و تأیید شدند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم نشان داد که تمامی ابعاد سه مؤلفه اصلی دارای بار عاملی بالاتر از ۰.۵ و روابط معنادار آماری ($t > 1.96$) هستند و شاخص‌های برازش ($GFI=0.93$, $RMSEA=0.049$) بیانگر برازش مناسب مدل هستند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تقویت عملکرد سازمانی پلیس، افزایش سطح اعتماد عمومی به پلیس، و توسعه ارتباط دوسویه و مبتنی بر اعتماد با شهروندان از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های ارتقای همبستگی ملی در این نهاد محسوب می‌شوند.

در توضیح این نتایج، باید گفت که عملکرد سازمانی پلیس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای عمومی نقش اساسی در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی دارد و هرگونه ضعف در این عملکرد می‌تواند منجر به تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش همبستگی ملی شود. یافته‌های این پژوهش در این زمینه با پژوهش (Azari & Hosseinzadeh, 2016) همخوان است که تأکید می‌کند موفقیت پلیس در برقراری نظم اجتماعی در گرو کارایی و اثربخشی عملکردی آن است. همچنین، مطالعه (Fenn & Bullock, 2021) نشان می‌دهد که فرهنگ و جو سازمانی در پلیس به‌شدت بر نگرش مأموران و نحوه تعامل آن‌ها با مردم اثرگذار است، به‌گونه‌ای که رویکرد جامعه‌محور در پلیس می‌تواند موجب افزایش اعتماد و همراهی مردم شود. یافته‌های ما نیز تأیید می‌کند که توسعه ویژگی‌های مدیریتی، نظارت‌پذیری، و اخلاق‌مداری در ساختار پلیس موجب ارتقای عملکرد سازمانی و در نتیجه افزایش حس تعلق شهروندان می‌شود.

دومین مؤلفه شناسایی‌شده یعنی اعتمادسازی توسط پلیس، از دیرباز یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و همبستگی ملی بوده است. اعتماد به پلیس از طریق رفتار عادلانه، رعایت حقوق شهروندی، صداقت و پاسخگویی شکل می‌گیرد و در صورت نبود آن، فاصله میان مردم و نهادهای حاکمیتی افزایش یافته و حس بیگانگی اجتماعی تقویت می‌شود. این یافته با نتایج (Hashemi et al., 2021) هم‌راستا است که نشان می‌دهد فقدان رعایت حقوق شهروندی می‌تواند موجب ایجاد مسئولیت مدنی برای پلیس و کاهش مشروعیت آن گردد. همچنین (Jazini et al., 2018) در مطالعه خود تأکید کرده است که یکی از عوامل مؤثر بر ارتقای همبستگی ملی، افزایش سطح سرمایه اجتماعی از طریق تقویت اعتماد نهادی است. در همین زمینه، یافته‌های ما نشان داد که عدالت رفتاری، صداقت، همدلی، نوع‌دوستی، و مشروعیت سازمانی از جمله عوامل کلیدی اعتمادسازی توسط پلیس هستند که می‌توانند به تقویت همبستگی ملی منجر شوند.

این نتایج همچنین با مطالعات بین‌المللی هم‌خوانی دارد. به عنوان نمونه، (Arisukwu et al., 2020) در پژوهش خود بر نقش مشارکت جامعه در فرایندهای پیشگیری از جرم در نیجریه تأکید کرده و نشان داده است که وقتی مردم احساس کنند پلیس عادلانه و شفاف عمل می‌کند، تمایل بیشتری به همکاری داوطلبانه و حمایت از پلیس خواهند داشت. (Ball & Branscombe, 2019) نیز نشان می‌دهد گروه‌هایی که تجربه قربانی‌شدن مشترک دارند، احساس همبستگی بیشتری نشان می‌دهند؛ این یافته قابل تعمیم به جوامعی است که با بحران‌های اجتماعی مواجه‌اند و پلیس می‌تواند با اتخاذ رفتار حمایتی، احساس همبستگی را تقویت کند. همچنین، مطالعه (Agustín & Jørgensen, 2020) بر مفهوم «همبستگی عرضی» نشان می‌دهد که اعتمادسازی می‌تواند از مرزهای گروهی عبور کرده و هویت‌های متنوع را در یک چارچوب مشترک گرد آورد که این دقیقاً همان چیزی است که پلیس برای موفقیت در مدیریت جامعه چندقومیتی ایران به آن نیاز دارد.

سومین مؤلفه شناسایی‌شده یعنی تقویت ارتباط متقابل پلیس با شهروندان، نیز نقشی اساسی در تقویت همبستگی ملی ایفا می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد که برقراری رابطه دوسویه، صمیمیت، همدلی، و آموزش عمومی شهروندان نسبت به قوانین و وظایف پلیس می‌تواند موجب افزایش همکاری مبتنی بر اعتماد گردد. این یافته با مطالعه (Sajedi et al., 2020) همسو است که نشان داد استفاده از شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی برای برقراری ارتباط دوسویه با مردم در کلان‌شهر مشهد، موجب افزایش همبستگی ملی شده است. همچنین، (Ng'eno, 2023) در پژوهش خود درباره هویت ملی و انسجام اجتماعی در کنیا تأکید می‌کند که نهادهای دولتی زمانی می‌توانند بر همبستگی بیفزایند

که کانال‌های ارتباطی و مشارکتی شفاف با شهروندان ایجاد کنند. یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از آن است که مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و فرآیندهای امنیتی، می‌تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کرده و حس تعلق به جامعه ملی را افزایش دهد.

از منظر فرهنگی نیز، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که توجه به تنوع قومی و فرهنگی و آموزش پلیس در زمینه فرهنگ مناطق مختلف کشور برای احترام به آداب و رسوم اقوام، می‌تواند یکی از مؤثرترین راهبردها برای افزایش همبستگی ملی باشد. این نتیجه با مطالعه (Hosseini Beheshti, 2019) هم‌راستاست که نشان داد پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و تنوع هویتی می‌تواند همبستگی ملی را تقویت کند. همچنین، پژوهش (Arghavani et al., 2020) نشان داد که اتحاد و همبستگی اقوام ایرانی می‌تواند به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در پیشبرد بیانیه گام دوم انقلاب عمل کند، مشروط بر آنکه سیاست‌های فرهنگی و قومی به شکل هماهنگ و عادلانه طراحی شوند؛ موضوعی که با یافته‌های (Pour Rajabi & Majdi, 2021) در زمینه تأثیر بحران‌های قوم‌مداری بر همبستگی ملی نیز همخوان است.

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش را می‌توان در پرتو نظریه‌های نوین درباره رابطه بین فضاهای شهری و انسجام اجتماعی تبیین کرد. به عنوان نمونه، مرور نظام‌مند (Qi et al., 2024) نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهری می‌توانند بستر مناسبی برای تعاملات اجتماعی و ایجاد حس تعلق جمعی باشند و در نتیجه به تقویت همبستگی کمک کنند. این یافته‌ها می‌تواند برای طراحی سیاست‌های پلیسی در استفاده از فضاهای عمومی برای ارتقای سرمایه اجتماعی بسیار مفید باشد. همچنین، مطالعه (Jahan Abadian et al., 2025) در مورد همگرایی قومی در میان اقوام بلوچ نشان داد که ایجاد فضاهای تعاملی مشترک می‌تواند به کاهش مرزبندی‌های اجتماعی و تقویت همبستگی ملی کمک کند، موضوعی که یافته‌های ما درباره اهمیت ارتباط متقابل پلیس و مردم را تأیید می‌کند.

نتایج این پژوهش همچنین با پژوهش‌های مربوط به نقش حافظه تاریخی و هویت ملی در همبستگی همخوانی دارد. به عنوان مثال، (Kurtaran, 2024) تأکید می‌کند که حافظه تاریخی می‌تواند به‌عنوان یک عنصر کارکردی در شکل‌گیری هویت ملی عمل کند و حس همبستگی را تقویت نماید. در کنار آن، پژوهش (Seyyed & Zahra, 2024) نشان می‌دهد که ادبیات و متون فرهنگی در تقویت هویت ملی نقش بسزایی دارند و می‌توانند به‌طور غیرمستقیم حس تعلق به جامعه ملی را افزایش دهند. همچنین، یافته‌های (Juang et al., 2024) و (Suryadi, 2024) بیان می‌کند که مواجهه مثبت با تنوع فرهنگی در کلاس‌های درس می‌تواند احساس تعلق به هویت ملی را در میان نوجوانان تقویت کند. بر این اساس، آموزش‌های فرهنگی و هویتی در پلیس می‌تواند یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای ارتقای همبستگی ملی باشد.

از منظر بین‌المللی، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های (Beath et al., 2015) نیز همسو است که در قالب «برنامه همبستگی ملی» در افغانستان نشان داد توسعه مبتنی بر جامعه و تقویت مشارکت مردمی می‌تواند به افزایش همبستگی و ثبات سیاسی منجر شود. همچنین، پژوهش (Morgan & Pulignano, 2019) نشان داد که همبستگی در محیط‌های کاری حاصل ترکیب عناصر اخلاقی، سیاسی و عملکردی است و می‌تواند حس تعلق و هویت جمعی را تقویت کند. این یافته‌ها مؤید آن است که پلیس نیز به‌عنوان یک نهاد اجتماعی باید به تقویت ارزش‌های مشترک، اخلاق سازمانی، و مسئولیت‌پذیری درونی برای ارتقای همبستگی ملی توجه کند. افزون بر این، مطالعه (Gurín & Brandt, 2024) در کره جنوبی نشان می‌دهد که همبستگی بین‌نسلی در دولت‌های رفاه در حال توسعه می‌تواند موجب تثبیت انسجام ملی شود، در حالی که (Kurowska et al., 2019) هشدار می‌دهد که حمایت بیش‌ازحد دولتی ممکن است مشارکت داوطلبانه را کاهش دهد؛ از این‌رو، یافته‌های ما تأکید می‌کند که رویکرد پلیس در تقویت همبستگی باید میان حمایت نهادی و مسئولیت فردی تعادل ایجاد کند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ارتقای همبستگی ملی در پلیس امنیت اخلاقی مستلزم ایجاد تحولی اساسی در نگرش‌ها، ساختارها و تعاملات پلیس است. تمرکز بر بهبود عملکرد سازمانی، ایجاد اعتماد پایدار و توسعه ارتباط دوسویه با شهروندان می‌تواند موجب افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش شکاف میان مردم و نهادهای حاکمیتی شود. این امر نه تنها به ارتقای کارآمدی پلیس منجر خواهد شد بلکه احساس امنیت، همدلی و تعلق شهروندان را نیز تقویت می‌کند که خود بنیان همبستگی ملی پایدار است.

این پژوهش با چند محدودیت همراه بود که باید در تفسیر نتایج در نظر گرفته شود. نخست آن که جامعه آماری در بخش کمی صرفاً به کارکنان پلیس امنیت اخلاقی در دو استان آذربایجان غربی و شرقی محدود شد و این امر ممکن است قابلیت تعمیم نتایج به سایر استان‌ها را کاهش دهد. دوم، بخش کیفی پژوهش تنها از دیدگاه ۱۷ نفر از خبرگان استفاده کرد که گرچه از اشباع نظری اطمینان حاصل شد، اما همچنان ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی در سایر خبرگان وجود داشته باشد. سوم، به دلیل استفاده از داده‌های خودگزارشی، امکان وجود سوگیری پاسخ‌دهندگان در بیان نگرش‌ها و تجربیاتشان وجود دارد. چهارم، پژوهش حاضر بر بررسی روابط همبستگی متمرکز بود و نه روابط علی، بنابراین نمی‌توان از آن برای استنباط قطعیت علی استفاده کرد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود جامعه آماری به استان‌های دیگر کشور و حتی سایر رده‌های پلیس گسترش یابد تا بتوان مقایسه‌های بین‌منطقه‌ای انجام داد. همچنین، بهره‌گیری از روش‌های طولی و ترکیب داده‌های کمی و کیفی می‌تواند به درک پویایی همبستگی ملی در طول زمان کمک کند. پیشنهاد می‌شود از روش‌های تحلیل شبکه‌های اجتماعی و داده‌های بزرگ برای سنجش دقیق‌تر سرمایه اجتماعی و تعاملات بین پلیس و مردم استفاده شود. علاوه بر این، بررسی نقش رسانه‌ها، آموزش و نهادهای مدنی در تعامل با پلیس و تأثیر آن بر همبستگی ملی می‌تواند دیدگاه‌های نوینی ارائه دهد.

در سطح اجرایی، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی کارکنان پلیس طراحی شود. همچنین، لازم است سازوکارهای شفاف ارزیابی عملکرد و پاسخگویی درون‌سازمانی تقویت گردد تا اعتماد عمومی افزایش یابد. توسعه برنامه‌های جامعه‌محور و داوطلبانه با محوریت تعامل پلیس و شهروندان نیز می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی کمک کند. سرانجام، پیشنهاد می‌شود از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی شهری برای افزایش آگاهی و تعامل مثبت میان پلیس و جامعه بهره‌برداری شود تا زمینه برای شکل‌گیری حس تعلق و همبستگی ملی تقویت گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Introduction

National solidarity is a foundational pillar for sustaining social order, political stability, and national security in contemporary states. It refers to the sense of belonging and collective responsibility that unites individuals from diverse ethnic, cultural, and social backgrounds within a single political entity (Mishra & Rath, 2020). The complexity of modern societies, characterized by accelerating globalization, cultural pluralism, and rising social expectations, has intensified the need to strengthen this solidarity. In the context of Iran, where ethnic and cultural diversity is pronounced, fostering national cohesion has become an essential strategic objective for policymakers and state institutions (Hosseini Beheshti, 2019).

Several studies have demonstrated that ethnic fragmentation and regional disparities can challenge national solidarity. Research has shown that ethnic crises often undermine national cohesion unless governments manage ethnic policies harmoniously and fairly (Pour Rajabi & Majdi, 2021). This is particularly critical for the police, which serves as both an instrument of state authority and a formal social control institution (Azari & Hosseinzadeh, 2016). Without public trust and cooperation, policing efforts to maintain public order and security are severely weakened. In this regard, public trust emerges as a crucial mediator between law enforcement effectiveness and social solidarity (Hashemi et al., 2021).

National solidarity stems from a combination of subjective and objective bonds. Subjectively, it involves shared norms, values, historical memories, and cultural symbols, while objectively it relies on institutional structures, governance systems, and legal frameworks (Armand & Pisureh, 2016). Research has confirmed that shared historical memory and cultural narratives can play a powerful role in strengthening national identity and solidarity (Kurtaran, 2024). Similarly, cultural representations such as literature serve as vital mediums for transmitting shared values and shaping collective identity (Seyyed & Zahra, 2024). Conversely, transnational family networks and globalized social interactions may simultaneously reinforce or weaken attachment to national identity (Bulut, 2024).

Empirical studies in Iran indicate that low levels of institutional trust—especially in formal entities like the police—can diminish social capital and weaken solidarity (Jazini et al., 2018). This aligns with international evidence showing that organizational culture and climate within police agencies strongly shape officers' attitudes toward community-oriented policing and affect their interactions with the public (Fenn & Bullock, 2021). Hence, reinforcing institutional trust through fairness, transparency, and accountability is essential to cultivating national solidarity (Hashemi et al., 2021).

Modern policing requires shifting from a purely enforcement-oriented model to a community-centered approach, emphasizing proactive engagement and problem-solving (Arisukwu et al., 2020). Public participation in security processes has emerged as one of the strongest predictors of solidarity, requiring mutual interaction, empathy, and voluntary collaboration (Agustín & Jørgensen, 2020). Studies show that groups are more likely to express solidarity when they have shared experiences of adversity or success (Ball & Branscombe, 2019).

Moreover, solidarity plays a crucial role during social crises. Evidence from the COVID-19 pandemic revealed that higher levels of social solidarity were associated with greater compliance with public health measures and lower levels of social conflict (Oram, 2020). This underscores solidarity as a moral and social force that can stabilize societies under stress. Some scholars argue that solidarity can emerge from the bottom-up, challenging power structures and driving social transformation (Mishra & Rath, 2020).

Recent studies suggest that solidarity also develops within organizational contexts. It is described as a product of moral, political, and functional elements operating within shared organizational environments that build collective identity and belonging (Morgan & Pulignano, 2019). This is particularly relevant for policing, as police organizations not only enforce the law but also embody state values and legitimacy (Azari &

Hosseinzadeh, 2016). The success of the police depends heavily on voluntary public cooperation (Ng'eno, 2023).

Social networks further shape public perceptions and can either reinforce or erode solidarity. Research has shown that social media use increases civic awareness and public engagement, which in turn strengthens social trust and cohesion (Sajedi et al., 2020). Similarly, exposure to cultural diversity in positive and constructive contexts fosters stronger identification with the nation among younger generations (Juang et al., 2024; Suryadi, 2024).

Urban public spaces are another structural factor that can promote or hinder solidarity. Systematic reviews have shown that such spaces serve as arenas for social interaction and collective identity-building, thereby contributing to social cohesion (Qi et al., 2024). In societies marked by ethnic and class divides, shared spaces can help bridge boundaries and encourage intergroup relations (Jahan Abadian et al., 2025).

Comparative international studies add further nuance. For example, research on emerging welfare states highlights how intergenerational solidarity strengthens national cohesion (Gurín & Brandt, 2024), while other studies caution that overly extensive welfare systems may undermine voluntary participation in solidarity-driven behavior (Kurowska et al., 2019). This implies that solidarity-building policies must balance institutional support and individual responsibility.

In sum, national solidarity is not static but constantly reshaped by social, cultural, and institutional dynamics. Historical memory and national identity are foundational to this process and can be reinforced through education and cultural transmission (Kurtaran, 2024; Seyyed & Zahra, 2024). Strengthening national solidarity therefore requires integrated multi-level interventions involving institutions like the police, educational systems, the media, and civil society (Beath et al., 2015; Falahi & Kafashi, 2019). Against this backdrop, the present study sought to identify and validate strategies to enhance national solidarity within the Moral Security Police of Iran.

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods design with a developmental orientation. The qualitative phase followed an inductive approach using purposive sampling of 17 experts from the police and academia specializing in sociology. Data were collected through in-depth semi-structured interviews and analyzed using thematic analysis across three levels: basic themes, organizing themes, and overarching themes. Interviews continued until theoretical saturation was reached.

Based on the themes derived from the qualitative phase, a structured questionnaire was developed and administered in the quantitative phase. The target population comprised 730 personnel of the Moral Security Police in the West Azerbaijan and East Azerbaijan provinces, from which 252 participants were selected using the Cochran formula. Data were analyzed using confirmatory factor analysis (CFA) and structural equation modeling (SEM) via LISREL. Validity was assessed through convergent and discriminant measures, and reliability was confirmed using Cronbach's alpha.

Findings

The thematic analysis yielded 93 initial codes, which were refined into 63 basic themes, 13 organizing themes, and 3 overarching themes. The three overarching dimensions identified were: (1) improving police performance, (2) building trust by the police, and (3) fostering mutual communication between the police and citizens.

Within the "improving police performance" dimension, six organizing components emerged: police efficiency, police effectiveness, citizens' psychological peace, managerial characteristics, police monitoring, and police ethics. Indicators such as responsibility, responsiveness, diligence, transparency, strategic thinking, and ethical conduct loaded strongly on this factor.

The “building trust by the police” dimension included five components: behavioral justice, public image of the police, altruism and empathy, institutional trust, and police organizational citizenship behavior. Key indicators included fairness, honesty, respectfulness, compassion, social responsibility, legitimacy, and proactive humanitarian involvement.

The “mutual communication between police and citizens” dimension encompassed two components: trust-based cooperation and public awareness. It involved indicators like citizen participation in decision-making, empathy and rapport in police-citizen interactions, and public education about laws and citizens’ rights.

Second-order CFA confirmed the adequacy of the measurement model. All factor loadings were above 0.5, and t-values exceeded 1.96, indicating statistical significance. Fit indices demonstrated good model fit ($\chi^2/df=2.69$, RMSEA=0.049, GFI=0.93). Normality tests supported the use of parametric methods. Reliability was strong (overall $\alpha=0.901$; subscales $\alpha=0.794$ – 0.854).

Discussion and Conclusion

The findings highlight that strengthening national solidarity within the Moral Security Police depends on synergistically enhancing organizational performance, institutional trust, and community engagement. Improved police performance fosters public confidence by demonstrating competence, fairness, and responsiveness, thereby reinforcing citizens’ sense of security and belonging. This aligns with evidence that the effectiveness of policing in ensuring social order relies on its operational efficiency and ethical standards (Azari & Hosseinzadeh, 2016). The role of organizational culture in shaping police attitudes and public trust further underscores the importance of building a professional, ethical, and transparent police climate (Fenn & Bullock, 2021).

Trust-building emerged as a critical pillar of solidarity. Trust is cultivated through fair treatment, honesty, empathy, and institutional legitimacy—qualities that reduce perceived social distance and foster voluntary cooperation. This resonates with research emphasizing that violations of citizens’ rights erode police legitimacy and weaken social cohesion (Hashemi et al., 2021). Similarly, social capital theory posits that trust is foundational for collective action and solidarity (Jazini et al., 2018). International evidence also confirms that when communities perceive police as fair and supportive, they are more likely to cooperate (Arisukwu et al., 2020), and groups sharing past adversity show stronger solidarity (Ball & Branscombe, 2019).

Mutual communication and community engagement are equally crucial. Building reciprocal, trust-based relationships with citizens not only improves public perceptions of the police but also empowers citizens to contribute actively to social order. This finding aligns with studies linking social media use to greater public engagement and national cohesion (Sajedi et al., 2020), and with evidence that effective institutional communication enhances national identity and unity (Ng’eno, 2023). Recognizing cultural and ethnic diversity within engagement strategies is essential to prevent marginalization and foster inclusion (Arghavani et al., 2020; Hosseini Beheshti, 2019).

Broader contextual factors also matter. Providing inclusive public spaces and participatory environments strengthens social ties (Jahan Abadian et al., 2025; Qi et al., 2024), while cultural education and the transmission of shared narratives reinforce national identity (Kurtaran, 2024; Seyyed & Zahra, 2024). Exposure to diversity in constructive environments further boosts national identification among youth (Juang et al., 2024; Suryadi, 2024). International cases confirm that community-driven development fosters solidarity (Beath et al., 2015), while workplace solidarity emerges from ethical and functional organizational structures (Morgan & Pulignano, 2019).

In conclusion, this study underscores that enhancing national solidarity in the Moral Security Police requires systemic reforms aimed at improving performance, cultivating institutional trust, and fostering inclusive community engagement. By embedding fairness, transparency, empathy, and cultural sensitivity within

policing practices, it is possible to reinforce public trust, elevate social capital, and foster a stable sense of national unity essential for long-term social resilience and security.

References

- Agustín, O. G., & Jørgensen, M. B. (2020). On Transversal Solidarity: An Approach to Migration and Multi-Scalar Solidarities. *DEMOS Research Group, Aalborg University, Denmark Article_Special Issue: - Transversal Solidarities and the City in the Third Great Transformation*. <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0896920520980053>
- Arghavani, A., Rakabian, R., & Pourhossein, N. (2020). *The Impact of Unity and Solidarity among Iranian Ethnicities as a Determining Factor in Advancing the Second Step of the Revolution Statement Ayatollah Al-Uzma Borujerdi University, Faculty of Humanities*. <https://civilica.com/doc/489453/>
- Arisukwu, O., Igbo, C., Chisaa, O., Oye, J., Oyeyipo, E., Asamu, F., Rasak, B., & Oyekola, B. (2020). Community participation in crime prevention and control in rural Nigeria. *Heliyon*, 6(9), e05015. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05015>
- Armand, F., & Pisureh, F. (2016). Examining the Interaction and Correlation of Iranian Ethnicities in the Discourse of National Unity. *Monthly Journal of Ethnic Studies*, 1(4), 1-6. <https://ensani.ir/fa/article/352551/>
- Azari, S., & Hosseinzadeh, S. (2016). The Role of Police in Social Order and Security. First National Conference on Foresight, Humanities, and Social Security, Khorramabad. <https://civilica.com/doc/667866/>
- Ball, T., & Branscombe, N. R. (2019). When do groups with a victimized past feel solidarity with other victimized groups? In *Confronting Prejudice and Discrimination*. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-814715-3.00004-7>
- Beath, B., Christia, F., & Enikolopov, R. (2015). The National Solidarity Programme: Assessing the Effects of Community-Driven Development in Afghanistan. *International Peacekeeping*, 22(4), 302-320. <https://doi.org/10.1080/13533312.2015.1059287>
- Bulut, S. (2024). Transnational Families: Maintaining Relationships Across Borders. *Journal of Psychosociological Research in Family and Culture*, 2(2), 1-3. <https://doi.org/10.61838/kman.jprfc.2.2.1>
- Falahi, A., & Kafashi, M. (2019). Examining the Impact of Ethical Security on Social Cohesion. *Biannual Scientific Journal of Police Women Studies*, 13(30), 14-27. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1544473/>
- Fenn, L., & Bullock, K. (2021). How the interplay between organisational 'culture' and 'climate' shapes police officers' perceptions of community policing. *International Journal of Police Science & Management*, 0(0), 1-12. <https://doi.org/10.21428/cb6ab371.c61f74fc>
- Gurín, M., & Brandt, M. (2024). Intergenerational Solidarity in a Developing Welfare State: The Case of South Korea. *International Journal of Social Welfare*, 33(4), 912-930. <https://doi.org/10.1111/ijsw.12643>
- Hashemi, S. M., Abbasloo, B., & Savadkoobi, S. (2021). Detrimental Acts in Realizing Police Civil Liability Arising from the Role of Citizens' Rights in Iranian and Common Law. *Quarterly Journal of Police Science Research*, 23(1), 239-269. <https://ensani.ir/fa/article/463770/>
- Hosseini Beheshti, S. A. (2019). Accommodating Cultural Difference and National Solidarity in Iran: In Search of a Conceptual Framework. *Geopolitics Quarterly*, 14(4), 234-271. https://journal.iag.ir/article_83005_en.html?lang=fa
- Jahan Abadian, A., Kahrazeh, Y., & Mirlofti, P. (2025). Investigating and Analyzing the Factors and Drivers Affecting National Convergence and Cohesion (Case Study: Baloch People in the Southeast of the Country). *Applied Research in Geographical Sciences*, 25(76), 162-177. <https://doi.org/10.61186/jgs.25.76.14>
- Jazini, A., Gazmeh, A., & Rezaei, G. (2018). Identifying Factors Influencing the Enhancement of National Cohesion with a Focus on Strengthening Social Capital. *Quarterly Journal of Police Science Research*, 20(2), 221-249. https://www.rahbordsyasi.ir/article_198830.html
- Juang, L. P., Schwarzenenthal, M., & Schachner, M. K. (2024). Heritage culture and national identity trajectories: Relations to classroom cultural diversity climate and socioemotional adjustment for adolescents of immigrant descent. *Zeitschrift Für Erziehungswissenschaft*, 27(1), 63-87. <https://doi.org/10.1007/s11618-023-01204-5>
- Kurowska, A., Eisele, O., & Kiess, J. S. (2019). Welfare Attitudes and Expressions of (Trans) national Solidarity. *American behavioral scientist*, 00(0), 1-14. <https://doi.org/10.1177/0002764218823843>
- Kurtaran, U. (2024). National Identity and Historical Memory: Functionality of Historical Memory in the Formation and Development of National Identity. 5(2), 64-71. <https://doi.org/10.62425/dssh.1494987>
- Mishra, C. H., & Rath, N. (2020). Social solidarity during a pandemic: Through and beyond Durkheimian Lens. *Social Sciences & Humanities Open*, 2, 100079. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2020.100079>
- Morgan, G., & Pulignano, P. (2019). Solidarity at Work: Concepts, Levels and Challenges. *Work Employment and Society*, 34(1), 1-14. <https://doi.org/10.1177/0950017019866626>
- Ng'eno, G. (2023). National Identity and Cohesion in Kenya: A Socio-Political Discourse. *EJCM*. <https://doi.org/10.47672/ejcm.1659>

- Oram, P. W. (2020). Solidarity is for other people: identifying derelictions of solidarity in responses to COVID-19. *Journal of Medical Ethics*, 47(2), 1-14. <https://doi.org/10.1136/medethics-2020-106522>
- Pour Rajabi, M., & Majdi, A. A. (2021). Factors Affecting Ethnic Crisis in Undermining National Cohesion: A Modeling Approach in Urban Crisis Contexts. *Journal of Crisis Management and Emergency Situations*, 13(3), 7-32. https://cmj.ihu.ac.ir/article_206825.html
- Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*, 7(2), 155-212. <https://doi.org/10.1007/s42413-024-00204-5>
- Sajedi, M., Azami, H., & Papili Yazdi, M. H. (2020). *Investigating the Impact of Social Networks on National Cohesion with Emphasis on the Metropolis of Mashhad* Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Literature and Humanities]. <https://elmnet.ir/article/11184997-26581/>
- Seyyed, M., & Zahra, S. (2024). The Role of Literature in the Formation of National Identity. National Conference on Humanities with a New Approach,
- Suryadi, A. (2024). National identity and multiculturalism in Indonesian education. *Journal of Educational Policy*, 39(2), 112-128.